



**رامین جهان پسر-** رمان «دریا» را «جان بلویل» نویسنده ایرلندی در سوم ژوئن سال ۲۰۰۵ میلادی به رشته تحریر درآورد. او در همان سال موفق به دریافت جایزه ادبی بوکر شد و خیلی زود نظر منتقدان و نویسندگان دنیا را به‌سوی کتابش جلب کرد. داستان از این قرار است که نقاش و تاریخنگار میانسال‌بی‌نام «مکس موردون» بعد اینکه همسرش را بر اثر یک بیماری از دست می‌دهد به‌دلیل ناراحتی و اندوهی که از این واقعه دارد تصمیم می‌گیرد بعد از سالها به همراه تنها دخترش سفری به روستای زادگاهش که در نزدیکی یک دریاست برود تا بتواند اندکی از غمی که وجودش را فرا گرفته کم کند. داستان با ورود او به روستا آغاز می‌شود. مکس در آنجا در خانه‌ای در کنار دریا مستقر می‌شود و به مرور خاطرات کودکی‌اش می‌پردازد. این سفر به کودکی و مرور خاطرات گذشته که سرشار از تمثیل‌ها، استعاره‌ها و تشبیهات و روانشناختانه و فلسفی نویسنده نوع نگاه و بینش او نسبت به جهان هستی است، ساختار اصلی داستان را شکل می‌دهد. در شروع کتاب لحظه وارد شدنش به روستا را بعد از سال‌ها این‌گونه توصیف می‌کند: «وقتی رسیدیم شگفت‌زده شدم وقتی دیدم روستایی را که به یاد می‌آورم، تکان نخورده است. گویی بعضی چشم‌ها می‌دانند کجا را نگاه کنند، چشم‌هایی که چشم من بود، مثل این بود که با شعله‌ای قدیمی روبه‌رو شده بودم که خطوط باریک آن بر اثر مرور زمان جرم گرفته اما به‌راحتی قابل تشخیص است. از ایستگاه راه‌آهن متروک گذشتیم و به پل کوچک رسیدیم که دست‌نخورده باقی بود، درست سر جای خودش! خودم را بالای پل که کشیدم همه چیز جلو چشم‌های من جان گرفت، جاده‌ی رو به تپه و ساحلی که آن پایین بود و دریا. دم خانه نایستادم، فقط از جلو آن که رد می‌شدیم سرعتم را کم کردم. لحظه‌هایی هست که گذشته با چنان نیرویی ظاهر می‌شود که به‌نظر می‌رسد آدم را از بین می‌برد...» نویسنده اثر با بیان ماجراهای پیش آمده در کودکی مکس و تشریح زندگی آرام و لذتبخش او در کودکی با نثری شیوا و قابل درک موجب همدات‌پنداری مخاطب با کتاب می‌شود، طوری که گاهی خواننده احساس می‌کند که این اوست که کودکی‌اش را در آن دهکده ساحلی و منطقه رویایی‌اش گذرانده است. همه چیز این روستای ساحلی دقیق توصیف شده است، از جاده و خیابان‌ها گرفته تا کافه و ماشین‌ها و آدم‌هایش، حتی خلق و خوی شخصیت‌هایی که قبلاً آنجا زندگی می‌کرده‌اند. بنابراین، با خواندن هر صفحه از کتاب، موجی از خیال‌پردازی و تصور و تجسم، خواننده را فرا می‌گیرد. جان بنویل به خاطر سبک نوشتاری شاعرانه و تا حدی رمانتیکش در دنیا شناخته شده است بعضی از صاحب نظران، سبک و سیاق‌اورا در نوشتن، پست‌مدرن می‌دانند. او در این رمان با توصیفات دقیق، مخاطب را گام به گام به دنیای داستانی‌اش همراه می‌کند و تجربه‌ای به یادماندنی را از یک اثر ادبی در ذهن خواننده برجا می‌گذارد. روستایی سرشار از زیبایی‌های ساده که به دریا منتهی می‌شود. مکس با دیدن دوباره‌ی چشم‌اندازها تمام جزئیاتی را که سال‌ها بر او گذشته بازمی‌یابد و بوی دریا و ساحل او را به کودکی بدل می‌سازد که همراه خانواده‌اش به روستایشان برگشته است. او با دیدار اولین روشنایی روز و نور سرگردان خورشید بر موج‌ها، دختری به نام «کلوشه» را به‌یاد می‌آورد که گوش‌ماهی جمع می‌کرد و با برادرش مایلز هر روز برای بازی به ساحل می‌آمدند. در نهایت مکس در نوجوانی دل به کلوشه می‌بازد و روزگارش رنگی دیگر به خود می‌گیرد. مرور خاطرات، جان تازه‌ای به مکس می‌بخشد و روحش را تازه می‌کند. اودراین کتاب به بررسی موضوعات فلسفی و روانشناختی زندگی آدم‌ها همچون گذر زمان و گذشته‌های دور و تأثیراتی که بر هویت انسان می‌گذرانند تأکید فراوان دارد. جان بلویل در این کتاب زندگی را به دریا تشبیه کرده که رونده و زنده است و دراین رهگذر همه چیز را با خود می‌برد. او دقایق عمر را به دریایی تشبیه کرده که می‌رود و منتظر کسی نمی‌ماند. پس همان بهتر که انسان قدر دان لحظاتی باشد که در آن اشتباه کمتری داشته باشد. در تمام داستان راوی در پی پیدا کردن خودش و هویش است، همان چیزی که خیلی از ما با آن بیگانه شده‌ایم، از خود واقعی‌مان فاصله گرفته‌ایم اما تصور می‌کنیم دیگران را خوب شناخته‌ایم. مگر می‌شود انسانی که هنوز خودش را نشناخته ادعا کند دیگران را می‌شناسد؟

**سید گروه راهبردی-** انفجار در بندر شهید رجایی، چنان دل‌خراش بود که احساسات عموم مردم ایران را آریحه‌دار کرد و زبان‌های عمده سیاسی- اجتماعی و اقتصادی به بار آورد. اما حسن این انفجار وحشتناک این است که همه متوجه سوءمدیریت در بندر کشور و ضرورت بازنگری جدی در بهسازی مدیریت بندر شدند. گرچه پیش از این، اقدام شایسته قوه قضاییه در افشای وضعیت اسفناک بندر تلنگر مهمی به مسئولان زد؛ اما گویا مساله را جدی نگرفتند و هم‌چنان همان رویه سابق مبنی بر انتصاب حزبی و سیاسی بی‌توجه به تخصص ادامه یافت تا این حادثه غم‌انگیز رخ بدهد و خسارت سنگینی وارد شود.

#### اصلاح مدیریت بندر

اکنون این انتظار عامه مردم ایران است که در تمامی ارکان تخصصی حوزه دریا، تخصص گرایي شود. آن‌چه اکنون به شدت و حدت هر چه تمام‌تر شاهد آن هستیم، انتصاب‌های حزبی و سیاسی است تا انتصاب تخصصی و نتیجه این فاجعه و سپس فجایع بعدی خواهد بود. همان‌گونه که افشاگری قوه قضاییه، عبرت‌نشد، هراس می‌رود که این فاجعه هم لا‌پوشانی شود و عبرت نشود و تغییرات گسترده و منطقی و حرفه‌ای به دنبال نداشته باشد.

#### کارکنان بندر چه می‌گویند؟

پیام‌ها و نامه‌های متعددی از کنشگران بندر مختلف کشور –به خصوص بندر شهید رجایی– به دفتر روزنامه دریایی اقتصادسرامد رسیده است که همگی یک وجه مشترک دارند و آن وجود برخی سوءمدیریت و بحران مدیریت در بندار است که این هراس را به دل می‌اندازد که این آخرین انفجار نخواهد بود و فجایع دیگری در نوبت رخ‌دادن هستند تا مگر دولت چهاردهم کاری کند و در گام اول به بحران مدیریت بندار کشور پایان دهد.

#### مدیریت ناکارآمد

یکی از کارکنان با سابقه بندر شهید رجایی برای روزنامه اقتصاد سرامد نوشته است: «متأسفانه در طی سالیان اخیر، علی‌الخصوص دوران مدیریت کل بندار و دریانوردی استان هرمزگان با کنار زدن افراد متخصص و با تجربه و هم‌زمان ابقا و انتصاب افراد کم تجربه و نامتخصص در حوزه‌های حساس بندر شهید رجایی باعث چنین سانحه‌ای گردید؛ اما مهمترین زنگ خطر پنهان این است که سوانحی از این دست نیز اتفاق خواهد افتاد، اگر تغییر روشی در عزل و نصب های پست های حساس پیش نیاید؛ علی ایحال می پردازیم به سانحه و نقش مسئولان مرتبط بندر شهید رجایی در این رخ داد غم‌انگیز: پذیرش کالای خطرناک، آن هم کلاس یک که کاملاً ممنوع بوده که متأسفانه توسط معاونت بندری شهید رجایی دستور تخلیه داده می‌شود، آن‌هم، نه در ترمینال مخصوص کالاهای خطرناک، بلکه ترمینال کالاهای عمومی! کسی (...) بدون تجربه و تحصیلات مرتبط در حوزه امور بندری، توسط مدیر کل به سمت (...) مهم بندری بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران گماره می‌شود!



در تصاویر ارسالی از فعالیت آتش نشانان مشخص گردید به‌جز کالاهای خطرناک کلاس یک، تعدادی کانتینر کلاس سه و چهار (قیر و سیلندر گاز) در ترمینال عمومی که غالباً محل کالاهای اساسی است، چیدمان و نگهداری شده است! عدم نظارت صحیح مسئول ایمنی توسط مسئولی که (...) بدون داشتن صلاحیت و شایستگی در پست HSE ریاست می‌کند، که ایشان هم توسط مدیر کل بندر منتصب می‌شوند، نشان از سوءنظارت بر چرخه انبارداری صحیح و رعایت ایمنی بر اساس استانداردها دارد.

#### ورود روزانه کارگران بدون مجوز به بندر

مهم‌ترین بخش بندر و جالب از آن‌هم به‌کارگیری آن‌ها برای استریپ و تخلیه و بارگیری، عدم نظارت مسئول حراست بندر و یگان حفاظت که هر دوی این‌ها نیز توسط مدیر کل بندر گمارده شده‌اند و کمترین آشنایی حتی با حوزه کاری و جغرافیای بندر ندارند.

چیدمان غلط و اشتباه در بکارگیری تجهیزات مرتبط برای جابجایی محتویات کانتینر ( کالای خطرناک) توسط اپراتور \_ عدم نظارت صحیح و مستمر مسئول ترمینال کانتینری و عدم بررسی چیدمان کانتینرها در محوطه و اشکالات بسیار بیشتری در این سانحه به چشم می‌خورد متنها به موارد مهم و ترک فعل برخی مسئولان اشاره کردم و از شما دوست گرانقدر توقع نشر مطالب از دیدگاه فردی که بیست سال سابقه عملیاتی و تحصیلات مرتبط در بندار خوزستان، هرمزگان و چابهار دارد، را دارم تا رسالت خود را به نحو احسن انجام دهید.

این به‌عنوان آخرین سانحه فاجعه یسار نخواهد بود، از

برخی از کنشگران بندار به «روزنامه سرآمد» می‌گویند:

# انفجار سوءمدیریت در بندر شهید رجایی

## این آخرین حادثه نخواهد بود!

عدم وجود اسکله مناسب و پسرانه بندر لنگه، مشکلات عملیاتی بندر پارسیان، عدم پروتکل مناسب برای جزیره شیدور، توسعه سواحل مکران، مگا پورت، تقاطع غیر هم سطح بزرگراه شهید رجایی، ترافیک بندری بندار باهنر و لنگه و ... (امضاء محفوظ)

در نامه‌ای که یک هموطن از بندر شهید رجایی فرستاده و ما نام ایشان و چند اسم دیگر که در نامه بود را حذف کردیم تا قابل انتشار باشد. افشای نام و عنوان افراد را منوط می‌کنیم به هیات بررسی که در حال بازرسی و کشف حقایق فاجعه بندر شهید رجایی. اما به طور کلی، دو نکته مهم در این نامه هست، یکی دغدغه کارکنان بندر و همه مردم ایران که اغلب قادر به بیان واضح و روشن آن نیستند و دیگر وضعیت بغرنج مدیریت منابع و بندار در سطح کشور که باعث شده به نقاط اوج بحران رسیده و هر آن منتظر یک فاجعه در هر کدام از بندار باشیم. بنداری که به معنای واقعی کلمه به جای بندر به انبار کالاها و تل انبار کوهی از کانتینر ها بدون هیچ روش علمی و بدون هیچ حساب و کتاب شفاف تبدیل شده‌اند.

به جد امیدواریم که هر چه سریع تر وضعیت مدیریت در بندار بهبود یافته و با رفتار حرفه‌ای و تخصص گرایی، بندار را از بحران خارج کرده و به سرآمدی و بهره‌وری کامل برسانیم.

علی ایحال، ما در روزنامه دریایی اقتصادسرامد آمادگی انتشار ویژه پاسخ به پرسش‌های فوق را داریم، مدیر کل وقت یا به انتخاب ایشان هر مقام و منصب بندار و دریانوردی استان هرمزگان پاسخگوی این موارد باشند تا ضمن تنویر

من به یادگار داشته باشید؛ اما نگذارید زیر ساخت‌های اقتصادی، سرمایه‌های انسانی از این منطقه مهاجرت کنند. بدون تبعیض در بومی‌گری و غیر بومی، می‌بایست در پست‌های حساس از شایسته سالاری کمک گرفت، نه صرفاً پشتوانه گروه سیاسی، پیشینه اجتماعی و صرفاً مدیر بومی بزرگترین آفت در اداره کل بندار هرمزگان به چشم می‌خورد.

بیایید همان‌طور که تمامی ایرانیان برای بندرعباس خالصانه همکاری و هم‌ردی کردند، با عزل و نصب‌های سیاسی در بندر رجایی و دیگر بندار زیر مجموعه مبارزه کنیم. تبعیض زبان، لهجه، همشهری، نژاد، پشتوانه سیاسی، قومیت، رنگ و... را بگذاریم کنار و به مهر، مملکت خویش را کنیم آباد. ضمناً چند سوال اساسی و به جا مانده در ذهن شما کنشگران همواره باید باشد تا بلکه بتوان آینده را تصور و از فاجعه احتمالی بعدی جلوگیری کرد. این سوالات در حقیقت نشانه‌ها هستند:

وضعیت مگا پورت کوه مبارک چه شد؟ وضعیت بندر نخل ناخدا چه شد با آن همه سرمایه و معضلات زیست محیطی؟ وضعیت و نحوه گردشگری در جزایر بکر از جمله هرمز، شیدور، لارک چگونه است؟ وضعیت ترانزیت بندر لنگه چه شد که ۲۰ درصد ترانزیت از لنگه به ام‌القصر مهاجرت کرد؟ و دیگر موارد که هر کدام قصه خود را دارد به اختصار

اشاره می‌کنم: اسکهای غیر ایمن بندر پهل، مارینای بندر شهید حقانی، فرسودگی ناوگان مسافری دریایی، کانال دسترسی به بندر خمیر،



#### بدون شرح

#### قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

#### بدون شرح...



#### فریاد عزیزی - اقتصاد سرآمد